

زن در اشعار سیمین بهبهانی

امید درویشی*

دکتر کتیور زیرک‌ساز**

چکیده

سیمین با هوشمندی تمام پا به عرصه‌ی ادبیات گذاشته و در طول فعالیت‌های ادبی و فرهنگی خود از صحنه شعر و شاعری دور نمانده، با نگاهی به مجموعه اشعار سیمین متوجه می‌شویم که طنین صدای زنانه با رویکردهای مختلف عاشقانه، اعتراض، بازتاب مسائل اجتماعی و مشکلات جامعه‌ی زنان به تصویر کشیده شده است. گفت و گوی شاعرانه به سیمین فرصتی می‌دهد تا از آستانه‌ی فرد و حال دل گفتن با خود به فراسو گام نهد و با جامعه و سرنوشت خویش درگیر شود و آنگاه سرگذشت این درگیری و دست‌اندرکاری را در آینه‌ی شعرش بازتابد. بدین روی گفت و شنید شاعرانه به سروده‌های سیمین طنینی روز آمد و فراگیر می‌دهد. در شعر او تنها جنسیت زنانه مطرح نیست، بلکه نقش‌های مربوط به زن از جمله مادر، دختر، معلم و به‌خصوص شخصیت و منش زن هم مطرح است.

واژگان کلیدی: شعر معاصر، زن، سیمین، صدای زنانه.

* دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه omiddarvishi663@yahoo.com

** عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه kativarziraksaz@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۷/۲۰



ادبیات زنان

از مهمترین دلایل شکل‌گیری ادبیات زنان، آشنایی ادیبان و شاعران قرن نوزده و بیست در دو زبان فارسی و عربی با نظام‌های حقوقی و مدنی نوظهور در رابطه با مسائل زنان در آن جوامع است که در واقع ریشه‌های آن را باید در بسترهای مناسب این آشنایی که پس از انقلاب مشروطه در ایران و همچنین نهضت اجتماعی و ادبی در سرزمین‌های عربی ایجاد شد، جستجو کرد (احمدی، ۱۳۸۴: ۱۱). در سال‌های آغاز قرن بیستم میلادی و آغاز قرن چهاردهم هجری شمسی، زمانی که ادبیات ایران خانه‌تکانی می‌کرد و اسباب کهنه و فرسوده‌ی سالیان را با لوازم و اسباب جدید پر می‌نمود، نیما یوشیج (۱۳۳۸-۱۲۸۶) در شعر معاصر ظهور کرد و با آشنایی که با شعر غربی داشت، مسیر نوینی را در شعر فارسی ایجاد کرد. شعر شاعران زن در روزگار معاصر تحولات شگرفی داشته است، به نحوی که از یک طرف شعر آنها با شعر مردان تفاوت‌های زبانی و محتوایی دارد و از طرف دیگر در گستره‌ی شعر شاعران زن نیز یک‌دستی دیده نمی‌شود و هر کدام از این دسته از شاعران سبک ویژه‌ای در شعر زنانه دارند. شعر پروین اعتصامی، صدای مردانه از زبان یک شاعر زن است، اما صدای فروغ، روشن‌ترین صدای زنانه در شعر معاصر است. او هم از نظر زبان و هم از نظر درون‌مایه کاملاً زنانگی خود را حفظ کرده است. صدای سیمین بهبهانی، صدایی است که گاه از گلوی مردان برمی‌آید و گاه از گلوی شاعر، او میان سنت‌های فرهنگی شعر فارسی و نوآوری‌های فروغ در رفت و آمد است.

فمینیسم

جنبش فمینیستی ادبی مانند جریان اصلی فمینیسم به دنبال رفع ستم تحمیلی بر زنان البتّه در حوزه‌ی ادبیات است. این مکتب با اعتقاد به این مسأله که ذهن یک هنرمند به طور مستقیم، تحت تأثیر ارزش‌های یک جامعه شکل می‌گیرد، بر این باور است که سلطه‌ی مسلّم مردان بر جامعه‌ی مردسالار، حوزه‌ی ادبیات را نیز تحت تأثیر خود قرار داده و از آن نظامی مردسالار ساخته که به اشکال مختلف حقوق زنان را نادیده گرفته و در حقّ آنان ستم روا داشته است (نجم عراقی، ۱۳۸۲: ۱۴۱).



فمینیسم یکی از جنبش‌های سیاسی و اجتماعی است که در قرن بیستم شکل گرفت. طرفداران این جنبش خواهان برابری حقوق زنان با مردان بودند.

به نظر می‌رسد وجود تفاوت میان نگرش و نگارش زنان و مردان و طرح مسأله زبان زنانه و مردانه مقوله‌ای است که برای اولین بار در اندیشه‌ی فمینیستی و توسط فمینیست‌های موج دوم که دارای گرایش‌های رادیکال بودند، عنوان شد و به تدریج با ارائه‌ی نظریات متنوع و وسعت بیشتری پیدا کرد. فمینیست‌ها که با هدف

احقاق حقوق زنان پا به عرصه‌ی فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و... گذاشته بودند، در تلاش بودند تا با ورود و نفوذ به علوم و حیطه‌های مختلف من جمله ادبیات، حقوق تزییع شده زنان را در این حیطه‌ها باز پس گیرند. فمینیسم ادبی نیز با تأکید بر مردسالار بودن نظام زبان و ادبیات، رفع تبعیض و ستم رفته بر زنان در این عرصه را هدف خود قرار داده و نابرابری‌های موجود در این حوزه را مرتبط با ستم‌ها و تبعیض‌های موجود در جامعه‌ی مردمحور که در سطوح مختلف بر زنان تحمیل می‌شد، تفسیر می‌کرد و از ویژگی‌های سبک زنانه و سبک مردانه سخن می‌گفت.

علاوه بر فمینیست‌ها، زبان‌شناسان نیز تحت تأثیر اعتراضات گسترده‌ی فمینیستی متمایل به پژوهش در باب تفاوت‌های زبانی زنان و مردان شدند که تا پیش از این در زبان‌شناسی مغفول مانده بود. از میان شاخه‌های مختلف زبان‌شناسی، زبان‌شناسی اجتماعی به عنوان شاخه‌های بینارشته‌ای که از دهه ۶۱ میلادی مطالعات خود را رسماً آغاز کرده و در حوزه‌ی فعالیت خود به بررسی چگونگی تأثیرات عوامل اجتماعی مانند هنجارهای فرهنگی، توقعات و بافت، بر ویژگی‌ها و مدل‌های زبانی اقشار مختلف اجتماعی می‌پردازد، به‌طور جدی به مطالعه و پژوهش در این زمینه (زبان و جنسیت) پرداخت. در همین راستا، در این حوزه موارد تفاوت استعمال زبان توسط زنان و مردان و همچنین علل آن و تأثیر مقوله‌ی جنسیت در زبان گوینده یا نویسنده مورد مناقشه قرار می‌گیرد. نخستین اثر پژوهشی در این مورد متعلق به روبین لیکاف همسر جورج لیکاف زبان‌شناس معروف است که در مطالعه‌ای نوین هشت ویژگی گفتار زنان را مطرح کرده است (نیکویخت، ۱۳۹۱: ۱۲۱-۱۲۲).



همچنین در کنار زبان‌شناسی اجتماعی که بر جنسیت به عنوان متغیری که بر زبان تأثیرگذار است تکیه دارد، جامعه‌شناسی زبان نیز حوزه‌ی دیگری است که مقوله‌ی زن و زبان را مورد توجه قرار داده و به بازگویی تأثیر عوامل بیرونی و محیط از جمله عامل جنسیت بر نوشته‌های زنان می‌پردازد. محققان جامعه‌شناسی زبان معتقدند از میان عوامل اجتماعی مؤثر بر زبان، عامل اجتماعی جنسیت نقشی قابل توجه در بروز گوناگونی‌های زبانی دارد، به طوری که این گوناگونی و تفاوت را می‌توان در حوزه‌های مختلف آوایی، نحوی، واژگانی و معنایی مشاهده کرد. بنابراین نشان دادن رابطه‌ی بین زبان و جنسیت، یکی از جنبه‌های مورد بررسی محققان جامعه‌شناسی زبان قرار دارد (مدرسی، ۱۳۶۸: ۱۶۰).

سبک زنانه محصول زاویه‌ی دید و منظر خاص زنانه است و در بردارنده‌ی تجربیات و شیوه‌ی بیان زنان در درک و معنا دادن آنان به زندگی است. زیرا سبک در یک برداشت کلی از نحوه‌ی اجرای زبان و بیان اندیشه توسط نویسنده به وجود می‌آید (طاهری، ۱۳۸۸: ۱۰۲).

سبک زنانه در تلاش است در نظام ادبیاتی مردسالار، عدالت ایجاد کند و به ستم‌های وارده بر زنان در بخش‌های مختلف ادبی (زن به عنوان نویسنده، زن به عنوان خواننده، تصویرزن در آثار هنری) پایان دهد. کیفیت به کارگیری سبک زنانه در آثار شاعران مختلف به یک شکل نیست. سیمین، وضعیت روحی و روانی و حتی جسمانی زنان را حاصل رفتارهای نابه‌هنجار مردان می‌داند.

سیمین بهبهانی

سیمین خلیلی پس از ازدواج با حسن بهبهانی به نام خانوادگی او مشهور شد، متولد ۱۳۰۶ در تهران است. ایشان از مؤثرترین و مبتکرترین شاعران عرصه‌ی غزل معاصر است. پدرش از رجال برجسته‌ی تاریخ و ادب ایران و مادرش شاعر، نویسنده و روزنامه‌نگار بود. او به دلیل اینکه مادرش شعر می‌سرود به شعر و شاعری علاقه نشان داد و چهارده سال پیش نداشت که اولین شعر خود را در روزنامه‌ی نوبهار به مدیریت ملک‌الشعراى بهار منتشر ساخت. نوشتن نامه‌ای اعتراض‌آمیز توسط شخصی ناشناس از رئیس آموزشگاهی که سیمین در آنجا تحصیل می‌کرد و انتساب آن به سیمین سبب اخراج او از مدرسه شد. پس از آن اتفاق، سیمین هدف شعر خود را



مبارزه با ستم و بیان آزادی زنان قرار داد و آزادگی را شرط شاعری خود دانست. (بهبهانی، ۱۳۷۷: صص ۱۳-۱۴).

وی شاعری را از آغاز جوانی با سرودن غزل‌ها و چهارپاره‌هایی کلاسیک و رمانتیک آغاز کرد که غالباً دارای مضامین عاشقانه و عواطف زنانه و انسان دوستانه بودند. اما از دهه سی به بعد تحت تأثیر اشعار نوپردازان، رگه‌هایی از زبان و تخیل تازه‌ی رمانتیک در غزل‌های او پدیدار شد که مجموعه مرمر نشانگر این تحول بود. بعدها مجموعه‌ی غزل رستاخیز تلاش موفق او در تلفیق روح تغزلی با نگرش و محتوای اجتماعی به نمایش گذاشت.

از آثار ایشان می‌توان به مجموعه‌های سه تار شکسته (۱۳۳۰)، جای پا (۱۳۳۵)، چلچراغ (۱۳۳۶)، مرمر (۱۳۴۱)، رستاخیز (۱۳۵۲)، گزیده‌ی اشعار سیمین (۱۳۶۹)، کاغذین جامه (۱۳۷۱) و یاد بعضی نفرات (۱۳۷۸) اشاره کرد.

سیمین، فمینیستی آگاه از تاریخ و دانا به چرایی مردسالاری به تاریخ ایران و منصف در قضاوت‌های خود: شعر او زهره (تسلیم و رضا)، کولی (حرکت و فریاد اعتراض)، دو نماد گوناگون از زن و (ایلخان) نماد مردسالاری یا سروری مرد است. بنابراین افراط و تفریط در شعرش اندک است و به درستی و آگاهانه از حقوق زنان دفاع می‌کند، این چنین است که هم مادر خوبی است و فرزندان خوبی تربیت کرده است و هم اینکه خودش را زنی بااصالت در اشعارش معرفی می‌کند (دهبانی، ۱۳۸۳: ۲۶۸).

آگاه شدن زنان در ایران در دوران معاصر، تقریباً از سال ۱۳۰۱ به واسطه‌ی جریان‌هایی که به وسیله‌ی زنان تحصیل کرده و روشنفکر برای حمایت از حقوق زنان پدید آمد، جمعیتی به نام «جمعیت نسوان وطن خواه» به وسیله‌ی خانم ملوک اسکندری و گروهی دیگر که مادر سیمین هم جزء آنان بود، تشکیل شد (ابومحیوب، ۱۳۸۷: ۵۵-۵۳).

بهبهانی یکی از بهترین و تاثیرگذارترین شاعران معاصر ایران است که در چند دهه‌ی اخیر نقشی بی‌دلیل در جریان‌های اجتماعی و فرهنگی داشته است. او همواره مدافع آزادی بیان و حقوق زنان بوده و از حقوق بشر در همه جای جهان دفاع کرده است. هر چیزی که او می‌نویسد صدای باطنی و درونی مردم ماست. هنر سیمین بهبهانی این است که شعر را از شکل یک صدای فردی در



آورده و تبدیل به یک صدای جمعی کرده است. صدای شعر سیمین بهبهانی صدای یک فرد نیست صدای یک جمع است. او به نمایندگی از جمع سخن می‌گوید و به همین دلیل صدای همه‌ی ماست. مهم‌ترین مساله در مورد شعر سیمین بهبهانی روح زنانه و مادرانه حاکم بر آن است؛ روحی که موجب باروری و آفرینشگری گسترده‌ی کاری وی شده است.

سیمین تلاش می‌کند تا خود و دیگر زنان را از زیر سیطره‌ی نظام فکری و زبانی مردمحور جامعه بیرون بکشد و از زنان می‌خواهد که از خود و امیال و امید و آرزوهایشان به عنوان نیمی از یک جامعه‌ی بشری دفاع کنند. ایشان پس از فروغ فرخزاد از طلایه‌داران سنت زنانه‌نویسی است. اشعار سیمین هرچند در قالب سنتی اما با نوآوری‌های متعدد در فرم و وزن و محتوای غزل، بارزترین صدای شعر زنانه در ایران است.

شکل‌گیری ارتباطی قوی میان اشعار سیمین و مخاطب سبب شده تا سیمین نگاهی جدی هم به مسائل برآمده از فرهنگ عامه و هم به اسطوره‌ها در سروده‌های خود داشته باشد. توجه به مضامین خاص اجتماعی از شاخص‌ترین ویژگی‌های شعر سیمین است. سیمین بهبهانی در اشعاری توانسته هم جنبه‌های ادبی را در شعر بازتاب دهد و هم مضامین مهم روزگار و از جمله مباحث زنان و سایر موضوعات مهم را به شکل هنری با احساس و عواطف تند زمانه و مادرانه بازتاب دهد.

جنسیت

برخی با ابن عقیده مخالف اند که زبان ادبی دارای جنسیت است. «ادبیات زنانه به معنی دقیق کلمه‌ی آن وجود ندارد. همان‌گونه که نمی‌توان از موسیقی زنانه یا فلسفه‌ی زنانه سخن گفت، به نظر من فقط ادبیات وجود دارد» (ساروت: ۱۳۶۴).

یکی از مباحث اساسی در ادبیات، مبحث جنسیت است. «تمایزات جنسیتی بین زن و مرد به انتظار است، متفاوت جامعه از نقش‌های زن و مرد مرتبط است (تانگ، ۱۳۸۷: ۱۱).

سیمین، نخستین شعر خود را با موضوع فقر در ۱۳ سالگی برای پروین اعتصامی خواند. شعرش تجربه‌ی لحظه‌هاست و به قول خود او گویی زمان و لحظه‌ها را گاه تلخ و گاه شیرین، جرعه‌جرعه نوشیده است. می‌توان از خوانندگان آثار او بدون شناخت قبلی از ایشان، پی به زن بودن شاعر برد؛ به



بیان دیگر زنان هویت و شخصیت خود را در شعر باز یافته و دغدغه های ذهنی خود را در سخن بازگو کرده است.

من خود همین خواهم شد/ همواره در نوزایی/ در نوجوانی، مادر/ هنگام پیری مادر/ با مهر فرزندان خویش/ با قهرشان، سودایی/ حتی اگر یک آهم/ در سینه باقی باشد/ تکواژه ای خواهد شد/ از آخرین لالایی (بهبهانی، ۱۳۸۸: ۱۰۹۴)

شعر سیمین

بنابه گفته ی دکتر شفیعی کدکنی اگر شعری در حافظه مردم باقی بماند، رسالت خود را به انجام رسانده است و برخی از تک بیت های سیمین توانسته اند، نام او را در حافظه فرهنگ ایرانی جاودانه کند.

سیمین بهبهانی جزء شاعران مشهور معاصر است که با تکیه بر قریحه و ممارست بر توانایی، بین سنت و تجدد پلی زد و ثابت کرد که هرگز این دو شیوه در تضاد نیستند.

کولی! به شوق رهایی، پای بکوب و به ضربش
بر هستی تو دلیلی باید ضمیر جهان را
بفرست پیک و پیامی تا پاسخی بستانی
نعلی بسای به سنگی تا آتشی بجهانی
اعصار تیره ی دیرین در خود فشرده تنت را
بیرون گرا که چون نقشی در سنگواره نمایی
کولی! برای نمردن، باید هلاک خموشی!
یعنی به حرمت بودن، باید ترانه بخوانی
(بهبهانی، ۱۳۶۲: ۴۳).

ایشان در این شعر با زبان زنانه ی خود، زن را اسیر اعصار تیره ی دیرین تاریخ می داند و جایگاه زن را نقشی در درون سنگواره ها می داند.

زبان زنانه

سیمین خود را از سلطه ادبیات مردانه رها کرده و نه تنها از نظر اندیشه، بلکه از حیث تصاویر و عواطف نیز به نوعی استقلال ادبی دست یافته است. ایشان در پاره ای از مواقع تصاویر و توصیفات شعری را از مکان هایی اخذ کرده که در محدوده زندگی او قرار دارد و یک زن با آن مؤنست



بیشتری دارد؛ عواطف عمیق مادرانه خود را در شعر انعکاس داده؛ اگر از عشق سخن می‌گویند از کلی‌گویی گریخته و با جزئی‌نگری به مسائلی اشاره دارد که در حیطه عشق زنانه قرار دارد؛ از نظر اندیشگانی از مسائل و دغدغه‌هایی که در زندگی زنان روی می‌دهد سخن گفته و جهان‌بینی زنانه خود را نسبت به مباحث مختلف ابراز داشته.

سبکی است که در آن به طور ویژه به موضوع زنان پرداخته و وجود زنان و نگاه زنانه در آن سبک به اثبات برسد. سبک زنانه محصول زاویه‌ی دید و منظر خاص زنانه است و در بردارنده‌ی تجربیات و شیوه‌ی بیان زنان در درک و معنا دادن آنان به زندگی است. زیرا سبک در یک برداشت کلی از نحوه‌ی اجرای زبان و بیان اندیشه توسط نویسنده به وجود می‌آید.

زن در شعر سیمین بهبهانی

توجه به زن و وضعیت اجتماعی و خانوادگی زنان، یکی دیگر از مضامین شعر سیمین است. بخشی از اشعار سیمین به نقد جامعه‌ی مردسالار می‌پردازد. این شعرها در واقع رویکردی متفاوت نسبت به ادبیات از نوع سنتی آن دارد. سیمین نوعی ارزیابی متفاوت از زن و ماجراهای تاریخ زندگی نوع زن دارد. بنابراین یکی از درون‌مایه‌های مهم شعر سیمین، دفاع از حقوق زن است. او بی‌مهری نسبت به زنان را نمی‌پذیرد و در برابر این پدیده شعر می‌سراید. سیمین نادیده گرفته شدن ارزش والای زنان و فریاد مظلومیت آنان را به جامعه بشری تذکر می‌دهد:

یک دست بوده‌ای تو و یک دست بی‌صداست دست دگر به پیکر نام‌آورت شدم
بیرون ز خانه، همره و همگام استوار در خانه غمگسار و نواز شکر شدم
(بهبهانی، ۱۳۸۸: ۹۵)

«رویکرد سیمین بهبهانی به ادبیات، نوعی ارزیابی متفاوت از زن و ماجراهای تاریخ زندگی «نوع زن» بوده است و این سخن به نوعی درباره‌ی کل تاریخ ادبی می‌تواند صادق باشد» (ابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۵۴).

سیمین مسائل مهم فرهنگی و اجتماعی را در شعرش به چالش کشیده است. مسائل مربوط به زنان و دغدغه‌های آنان در اشعار سیمین جایگاه ویژه‌ای داشته و یکی از مهم‌ترین درون‌مایه‌های شعر او



محسوب می‌شوند. ایشان نادیده گرفتن حقوق و ارزش والای زنان در جامعه‌ی بشری را هم به زنان و هم به مردان گوشزد می‌کند.

سیمین توانایی‌های زنان را بیان می‌کند و آنها را به مشارکت اجتماعی فرا می‌خواند:

چو چنگ نغمه‌ساز، فرو خواندی در گوشِ مرد، نغمه‌ی همتایی
گفتی که: «جفت و یار توام، اما نی بهر عاشقی و نه شیدایی
اینسان که در جبین تو می‌بینم کرسی نشین خانه‌ی شورایی
بر سرنوشت خویش خداوندی در کار خویش، آگه و دانایی
(بهبانی، ۱۳۸۸: ۹۵)

سیمین حضور زن را در کنار مرد ضروری می‌داند و از زبان زن می‌سراید:

یک دست بوده‌ای تو و یک دست بی‌صداست دست دگر به پیکر نام‌آورت شدم
بیرون ز خانه، همره و همگام استوار در خانه، غمگسار و نوازشگرت شدم
(همان: ۳۸۶)

تصویر مسأله چندهمسری و رفتن زندگی به مسیر نابه‌سامانی:

آه! این مردی که این‌سان خفته گرم در کنار ایین زن آشوبگر
جای می‌داد اندر آغوشش مرا روزگاری گرم‌تر، پرشورتر
دست لرزانش به سوی آب رفت گرد بی‌رنگی میان جام ریخت
... باید امشب بی‌زلزل، بی‌دریغ کار یک تن زین دو تن یکسر شود
یا مرا همسر بماند بی‌رقیب یا رقیب سفله بی‌همسر شود.
... همسرش را با رقیبش خفته دید! لیک طفلش جام را نوشیده بود!
(بهبانی، ۲۵۵-۲۵۸)

گاه سرنوشت زن خارج از توان و اراده‌ی اوست. در چهارپاره «نامه» از گفتگوی زنی با نامه‌ای از سوی همسر بی‌وفایش باخبر می‌شویم. زن پیش از این که آن را بگشاید در دل همسرش را می‌بخشد و نامه‌ی او را به نشانه بازگشت او تلقی می‌کند و شاعر دست آخر زن را چنین ناتوان و وابسته باقی می‌گذارد:



آه ای پیک، پیک شادی‌بخش!
چه؟ در این نامه چیست؟ هان! این چیست؟
مهر و اخوردگی، خط بطلان
نامه آورده ای ز همسر من
وای... فرمان افتراق من است
بر من و هستیم، طلاق من است. «
(بهبهانی، ۱۳۸۸: ۳۸۲)

در شعر بی‌سرنوشت نیز بیان می‌کند:

ای بیوه‌ی قانونیِ مردی توانگر
زان مایه و ثروت به نام «مهر و کابین»
در پیش چشم کور قانون ایستاده
قانون پشیزی چند در دستش نهاده
(همان: ۴۹۹)

در شعر ایلخان نیز می‌گوید:

زهره جفت ایلخان شد
مهرش از دو قطره‌ی اشک
کام از او چو برگرفتی
رای عهد تازه بستن
نازنین خان و مان شد
جفت گوشواره کردی
بوی‌های دگر گرفتی
با دگر ستاره کردی
(همان: ۹۳۲)

در ادامه..

ایلخان، پریرو
... هر زمان به دامن
... زهره در شبستان
مانده را بیفشان
نیست کم، غمت کم!
یک ستاره بنشان
ماند چو غریبان
گرچه آب زمزم

(همان: ۹۳۴)

ادبیات زنانه مسأله‌ای است که بعد از ظهور موج دوم فمینیسم به طور جدی مطرح شد. نکته‌ی مهم در مورد این نوع ادبیات این است که میان آثاری که به سبک زنانه سروده می‌شوند و آثار زن-نوشت باید تفاوت قائل شد. چرا که ادبیات زنانه به آن دسته از آثار ادبی اطلاق می‌شود که به جدال با نظام سلطه‌ی مردانه و تلاش برای احقاق حقوق تضییع شده‌ی زنان برمی‌خیزد و مؤلفه‌های



خاص خود را در بخش های مختلف اعم از واژگان، نحو و گفتمان دارد؛ در حالی که آثار زن نوشت آثاری را شامل می شود که به دست زنان نگاشته می شوند. ادبیات زنانه حتی می تواند به قلم مردان نیز به رشته ی تحریر درآید.

سیمین به سبک زنانه می نویسد. واژگان مورد استعمال بهبهانی در اشعارش، اغلب کلماتی مانند واژگان مأنوس زنانه و گلوآژه ها و رنگواژه ها و مواردی از این دست را شامل می شود. او مشکلات زنان ایران را به تصویر کشیده است. زبان سیمین، زبانی سیال است که به ستیز با قواعد مردانه ی حاکم بر نوشتار برمی خیزد.

طیف قابل توجهی از فعالان عرصه هنر و ادبیات را زنان تشکیل می دهند که پژوهش های اخیر بر روی ویژگی های موجود در آثار خلق شده توسط آنها، حاکی از وجود تفاوت های قطعی میان آثار زنان و مردان بوده و تأثیر مقوله ی جنسیت بر نوشتار را به عنوان امری مسلم و قطعی تأیید می کند. گفته می شود این تفاوت در آثار، از برخی از تفاوت های وجودی زنان و مردان چون عواطف درونی، زاویه ی دید و نیز از موقعیت اجتماعی متفاوت آنان سرچشمه می گیرد.

برجستگی و جلوه گری این تفاوت ها تا جایی است که بسیاری از صاحب نظران حوزه ی ادبیات قائل به وجود سبکی ویژه و ادبیاتی جداگانه برای زنان با عنوان سبک زنانه هستند. سبکی که حاصل طرز تلقی جداگانه زنان از امور و نوع اندیشه متفاوت آنها و انعکاس آن در بیان و زبان نوشتار است و در قالب های مختلفی چون انتخاب واژگان، ترکیبات، تصویرسازی و... خود را نشان می دهد. از جمله تفاوت های زنان و مردان که در بحث سبک زنانه مطرح می شود، می توان به این نمونه ها اشاره کرد: زنان و مردان در گزینش کلمات برای انتقال مفاهیم ذهنی خود به یک شکل و به طور مشابه عمل نمی کنند، تمایل زنان به تلفظ استاندارد بیشتر از مردان بوده و زنان در توصیفات خود ریز بینانه تر عمل می کنند.

سیمین، خواهان دخالت زن در سرنوشت خویش است و از او می خواهد که با وارد شدن در عرصه های مختلف زندگی به استقلال اجتماعی دست یابد. وی دوستدار تحول در زندگی زنان است؛ تحولی که به زنان تحرک بیشتر در جامعه می بخشد. او با سرودن شعرهای خاص می خواهد



تصویری از زن به نمایش بگذارد؛ زنی که باید به طور مستقل و مکمل در کنار مرد خود نقش مفیدی ایفا کند.

او شاعری است که در اشعارش درون مایه‌های فرهنگی و اجتماعی به ویژه مساله‌ی زنان را مورد توجه خاص خود قرار داده است. نوع زاویه‌ی دید او نسبت به مساله‌ی زن گرایش فمینیستی او را نشان می‌دهد، البته دیدگاه او از نوع فمینیسم معتدل و به دور از هرگونه افراطی است. دیدگاه فمینیستی او نه درباره‌ی جامعه‌ای خاص بلکه می‌تواند، تمام طول و عرض جامعه‌ی بشری را مورد نقد قرار دهد. او با بیان این مسأله خود را بیشتر به زنان اجتماع نزدیک می‌کند و در عین هم‌حسی شاعرانه نسبت به آنان، به دنبال چاره‌ای برای رفع این معضل اجتماعی می‌گردد و خواستار برابری میان انسان‌ها چه زن و چه مرد می‌شود. در همین راستا به زندگی اقشار مختلفی از زنان که مورد بی‌مهری و ناسپاسی قرار گرفته‌اند، وارد می‌شود تا واقعیت زندگی آنان را به خواننده‌ی خود گوشزد کند.

هدف این شاعر آگاه از وارد شدن زن در جامعه، پویایی حقیقی اجتماعی است. چرا که جامعه زمانی پویایی واقعی دارد که همه‌ی انسان‌ها چه مرد و چه زن در جای خود و به اندازه‌ی توان بالقوه و بالفعل خود نقش انسانی و اجتماعی خود را ایفا کنند. بنابراین تحول زندگی زن نه تنها به ضرر اجتماع نیست، بلکه در این مرحله است که هم مرد و هم زن برای زندگی حکم مکمل پیدا می‌کنند؛ مکملی که اگر یک طرف آن حضور فعال آگاهانه نداشته باشد، ناقص خواهد بود.

بانوی غزل معاصر یا همان نیمای غزل بر این عقیده است که «شعر سنتی، درختی کهن است و شعر نو، نهالی جوان که از هسته‌ی درخت کهن می‌روید، همان است و همان نیست، قطع رابطه با زبان دیروز، ناممکن است، اما تغییر و هنجار آفرینی و بدعت گذاری در آن ناگزیر» (بهبهانی، ۱۳۸۷). در مورد ایشان گفته شده که «اثر انگشت شخصی او بر آن‌ها به وضوح دیده می‌شود» (احمدی، ۱۳۸۴: ۳۳).



نقد چند همسری

سیمین، همواره، چند همسر، کودک آزاری و خشونت علیه زنان را نقد می‌کند و برای تغییر نگاه جامعه به زنان تلاش می‌کند. شعر «هوو» از این قرار است که مردی در کمال بی‌توجهی به همسر اول و فرزنداناش که در عین فقر و بی‌پولی روزگار سختی می‌گذرانند با زنی دیگر ازدواج کرده است. همسر دوم این فرد نیز در همان ساختمان که خانواده‌ی اول زندگی می‌کنند، سکنی می‌گزیند:

طفل من بیمار بود، اما پدر نقل و شیرینی پی این زن خرید!
 من به سختی ساختم تا بهر او دستبند و جامه و دامن خرید!
 (بههانی، ۱۳۸۸: ۲۵۶)

قصه‌ی تجدید فراش مرد و ناراحتی همسر اول از آمدن مهمان ناخوانده را سیمین این‌گونه ادامه می‌دهد. زن تصمیم می‌گیرد شبانه شوهر و یا زن جدید را از بین ببرد. بنابراین سمی کشنده در جام می‌ریزد تا یکی از آن دو آب را نوشیده و از دنیا برود. تصور خوشی همسر با زن دوم سبب واکنش انتقام‌جویانه زن اول می‌شود:

دست لرزانش به سوی آب رفت گرد بی‌رنگی میان جام ریخت
 قطره‌های گرم و شفاف عرق از رخ آن دیو خون‌آشام ریخت
 (همان: ۲۵۷)

نیمه‌شب صدای نوشیدن آب به گوش او می‌رسد و می‌بیند که در کمال بخت‌برگشتگی کودکش آب را خورده است:

ساعتی بگذشت و کس پنداشتی جام را بگرفت و بر لب‌ها نهاد...
 دیده را بگشود تا بیند کدام جامه‌ی مرگ و فنا پوشیده بود:
 همسرش را با رقیبش خفته دید! لیک طفلش جام را نوشیده بود
 (همان، ۲۵۸)

مادر نیز باقی مانده آب جام را بی‌درنگ سر می‌کشد و کودک بر دوش می‌دود و کمک می‌طلبد:
 چون سپند از جای جست و بی‌درنگ مانده‌های جام را خود سر کشید



طفل را بر دوش افکند و دوید نعره‌ها از پرده‌ی دل برکشید:
وای مردم! مادری فرزند کشت! رحم بر چشمان گریانش کنید!
طفل من نوشیده زهری هولناک همتی! شاید که درمانش کنید...
(همان)
بدین ترتیب سیمین از بی‌عدالتی و فقر فرهنگی انتقاد کرده و توجه مخاطب را به این مسأله جلب می‌کند.

سیمین در مورد ازدواج‌های نادرست این‌گونه خود و پدر و مادرش را مثال می‌آورد:
یاد دارم ز راه و رسم کهن / که دو ناساز را به هم پیوست / من شدم یادگار این پیوند / لیک چون
رشته‌ست پود گسست / خیره‌گی‌های مادر و پدرم / آن دو را فتنه در سر افکند / کودکی بوم و مرا
ناچاری / گاه از این گاه از آن جدا افکند / کودکی - هر چه بود - زود گذشت (همان: ۷۲)

باورهای غلط اجتماعی

ز انتخاب فرو مانده‌ام، که عشق و عفاف دو کفه‌ایست که با هم برابر آویزد
(همان: ۲۰۲)
عشق و عفاف با هم ناسازگار و ناپسندند البته در باورهای اجتماعی که از طریق خواسته جامعه
مردسالار زنان تحمیل شده.
به خانه گر چه اسیرم، خیال من با توست (همان: ۲۰۲)
در باورهای اجتماعی و فرهنگ ما همان بهتر که زن خانه‌نشین باشد.

منابع و مآخذ

- ابراهیمی، مختار، ۱۳۸۹، گونه‌های ادب، چاپ اول، اهواز: معتبر.
- ابومحسوب، احمد، ۱۳۸۷، گهواره‌ی سبز افرا، تهران: ثالث.
- احمدی، پگاه، ۱۳۸۴، شعر زن از آغاز تا امروز، چاپ اول، تهران: چشمه.
- بهبهانی، سیمین، ۱۳۶۲، دشت ارژن، چاپ اول، تهران: زوار.



- بهبهانی، سیمین، ۱۳۶۲، خطی ز سرعت و آتش، چاپ دوم، تهران: زوار.
- بهبهانی، سیمین، ۱۳۷۸، یاد بعضی نفرات، تهران: البرز.
- بهبهانی، سیمین، ۱۳۸۸، مجموعه اشعار، چ ۴، تهران: نگاه.
- تانگ، رزمی، ۱۳۸۷، درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی، ترجمه‌ی منیژه نجم عراقی، چاپ اول: تهران: نشرنی.
- طاهری، قدرت‌الله، ۱۳۸۸، زبان و نوشتار زنانه، توهم یا واقعیت، فصلنامه زبان و ادب پارسی، ش ۴۲، زمستان، صص ۸۸-۱۰۷.
- نجم عراقی، منیژه، ۱۳۸۲، زن و ادبیات، سلسله پژوهش‌های نظری درباره‌ی مسائل زنان، تهران: چشمه.
- نیکویخت و همکاران، ۱۳۹۱، روند تکوین سبک زنانه در آثار زویا ییل بر پایه سبک‌شناسی فمینیستی، فصلنامه نقد ادبی، س ۵، ش.
- مدرسی، یحیی، ۱۳۸۶، درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.